



انصباب خاتمی ، استیصال رژیم!

از ۸۱۳ نامزد ریاست جمهوری ، سرانجام صلاحیت ۱۰ نفر تأیید گردید تا از میان ده نفر منصوبین شورای نگهبان ، یک نفر به مقام ریاست جمهوری برسد . این در حالیست که همه گان می دانند به غیر از خاتمی که از مدتها قبل پیرامون کاندیداتوری وی بحث و جدل وجود داشت ، طرح نامزدی سایرین ، برای خالی نبودن عریضه است و در اساس ، جز سیاهی لشکر ، نقش دیگری نخواهند داشت . اگر در دوره پیشین ، مضحکه انتخابات به عرصه رقابت دو جناح اصلی حکومتی تبدیل شد و رژیم با راه انداختن جار و جنجال فراوان پیرامون این موضوع و با کشاندن مردم به پای صندوق های رای ، توانست به بازار گرمی و عوامفریبی بپردازد ، هم اکنون وضعیت سیاسی رژیم به آن درجه بحرانی است که این بار حتی ظاهر قضیه را هم نتوانست به آن شکل رعایت کند . بساط "انتخابات" نه فقط سوت و کور و بی رونق است و اکثریت عظیم مردم با بی تفاوتی به آن نگاه می کنند ، بلکه از هم اکنون نیز روشن است که کدام یک از منصوبین شورای نگهبان بر مسند ریاست جمهوری خواهد نشست .

تشکل های اصلی جناح خامنه ای مثل جامعه روحانیت مبارز و جمعیت موفته اسلامی و نیز سایر تشکل های همسو ، از معرفی کاندیدا خود داری کرده و میدان رابه جناح خاتمی واگذار کردند . این جناح البته عاقل تر از آن بود که به بازی در صحنه ای بپردازد که از قبل بر آن مهر شکست خورده بود . از همین رو پس از مدتها سکوت و پیشبرد یک سیاست انفعالی ، چند شخصیت درجه دوم را به عنوان کاندیدای "مستقل" به میان صحنه فرستاد تا اولاً آراء جناح مقابل را حتی المقدور بشکند و یا آن را کاهش دهد ، دوماً شکست مستقیم خود در این عرصه را

صفحه ۲

در این شماره

۲ اخباری از ایران

۴ اخبار کارگری جهان

خلاصه ای از اطلاعیه ها و

۵ بیانیه های سازمان

جنبش اعتراضی مردم زرنده ، طغیان دیگری علیه رژیم

مردم و درگیری با نیروهای سرکوبگر رژیم تا پاسی از شب ادامه داشت . علاوه بر کشته شدن لااقل ۲ نفر ، دهها تن زخمی شدند و از تعداد دستگیر شدگان اطلاعی در دست نیست . حرکت اعتراضی مردم زرنده تازه ترین نمونه از حرکات اعتراضی توده ای است که در شهرهای مختلف ایران هر بار در اعتراض به وضعیت موجود شکل می گیرد ، صدها و هزاران تن در آن شرکت می کنند ، به مراکز سرکوب و ستم دولت حمله می کنند و علیه سران اصلی رژیم شعار می دهند . تظاهرات مردم زرنده و حرکات اعتراضی مشابه نمود هائی از طغیان توده های مردمی است که وضعیت اقتصادی ، شرایط اجتماعی و خفقان و سرکوب آنها را به آنچنان شرایطی سوق داده است که هر لحظه مستعد شورش و انفجار اند . بحران اقتصادی ، و افزایش بیکاری ، توده های زحمتکش مردم را به منتها درجه فقر و بدبختی سوق داده است . طبق آمار و استناداردهای

صفحه ۳

یادداشت های سیاسی

بمب افکن های F16 اسرائیلی علیه مردم بی دفاع فلسطین

تشدید درگیری های نظامی در مناطق اشغالی فلسطین و تحولات سیاسی حاصل از آن در خاور میانه یکی از مهم ترین مسائل بین المللی چند روز اخیر بود . بمباران مناطق مسکونی مردم فلسطین توسط هلی کوپترها و جنگنده بمب افکن های F16 اسرائیل ، به یک بحران جدید در مناسبات رژیم های کشورهای عربی منطقه و دولت اسرائیل انجامید . تمام این رویدادها حاکی از این واقعیت اند که ۸ سال مذاکره و وعده وعید صلح و به رسمت شناختن حقوق مردم فلسطین با شکست تام و تمام روبرو شده است . چندین سال ، قدرت های بزرگ جهان ، دولت اسرائیل و دولتهای عرب منطقه وعده می دادند که از درون مذاکرات دولت اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین سرانجام حقوق

صفحه ۶

حلقه های بهم پیوسته تاکتیک تشدید سرکوب و اختناق

روزنامه های رژیم جمهوری اسلامی خیر دادند که در اواخر اردیبهشت ماه زن ۳۵ ساله ای که ۸ سال در زندان به سر می برد به اتهام شرکت در فیلم های پورنوگرافیک سنگسار شد . اندکی بعد خبر دیگری انتشار یافت مبنی بر این که فردی به نام محمد رضا پدram که از سال ۷۵ به اتهام جاسوسی در زندان به سر می برد در ۳۰ اردیبهشت ماه اعدام شد . همزمان خبر دیگری انتشار یافت که روزنامه نگاری به نام کاویانی ناپدید شد و سه روز بعد در حالی که شکنجه شده بود پیدا شد . چند روز پیش از این نیز کانال تلویزیونی حکومت اسلامی فیلمی از افشاری یکی از سران دفتر تحکیم وحدت پخش نمود که گویا وی در طول مدتی که در انفرادی به سر می برده از کرده خود پشیمان شده

صفحه ۸

انتصاب خاتمی، استیصال رژیم!

به شکست افراد مستقل تقلیل دهد. وقتی که این جناح نمی توانست مستقیماً و مستقلاً بر اهرم ریاست جمهوری چنگ اندازی کند، پس، ماندن خاتمی در صحنه و تجدید دوره ریاست جمهوری وی اما با آراء به مراتب پائین تر از دوره قبل، بهترین انتخاب آن بود. این موضوع نه فقط بی آبرویی و بی اعتباری خاتمی و جناحش را عریان تر می ساخت، بلکه زمینه و امکان تهاجم جناح خامنه ای را نیز بیشتر از گذشته فراهم می ساخت و این جناح می توانست شخص خاتمی را ابزار پیشبرد سیاست های خود سازد و از وجود وی به نفع این سیاستها و به نفع کلیت رژیم استفاده نماید.

در جناح مقابل که نان بی آبرویی مفرط جناح خامنه ای را می خورد، به رغم وجود اختلافات اما از همان اول معلوم بود که بر سر کاندیداتوری خاتمی توافق هست. مزید بر آن، در طیف جبهه دوم خرداد، هیچ فرد دیگری نبود که تا مین کننده این درجه از توافق باشد. از همین رو هم هیچکس امتناع اولیه خاتمی از کاندیداتوری را جدی نگرفت و در شکستن تردید وی به نفع ورود به صحنه، تردیدی نداشت. به رغم شکست خاتمی در دوره گذشته و عقب نشینی اش در برابر جناح خامنه ای، معهدا طرفداران وی مکرراً اعلام و اعتراف کرده اند که راه دیگری جز اینکه به آقای خاتمی به عنوان "تنها بدیل" (۱) دخیل ببندند، ندارند. بنابراین نمایش انتخابات دوره هشتم ریاست جمهوری، حتی در چارچوب معیارهای جمهوری اسلامی نیز آنقدر تصنعی و مضحک است که اولاً همه طرف ها این موضوع و نتیجه آن را از قبل می دانند و ثانیاً این به اصطلاح انتخابات هیچ تحرک و انگیزه ای را برای مشارکت در آن، بر نمی انگیزد. حتی وابسته گان به دستگاه و جناح های حکومتی نیز خود می گویند که این بار مسئله "انتخابات میان خاتمی و رقیب وی در میان نیست" (۲). آنان که به نصف آراء دوره پیشین هم رضایت داده اند، می گویند در هرحال "جبهه دوم خرداد پیروز است" (۳). این فضا اما هر چه هست، فضای دوره پیشین نیست. پادوان رژیم و قبل از همه طرفداران جناح خاتمی تأیید می کنند فضای "انتخابات"، "بسیار سرد" و "راکد" است. آنان ضمن اظهار تاسف از این مسئله، سخت به تکاپو و به بازار گرمی برای گرم کردن بازار انتخابات افتاده اند. گروههای هجده گانه جبهه دوم خرداد، ستاد هماهنگی تشکیل داده و دانما مردم را به شرکت در انتخابات دعوت می کنند. "ائتلاف جبهه جدید اصلاح طلبان" متشکل از ۲۱ گروه که به تازگی تاسیس یافته است، تبلیغات وسیعی را جهت ترغیب مردم به شرکت در

اخباری از ایران

* کارگران جاده را بستند!

کارگران شرکت قطعات فولادی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خویش دست به یک تجمع اعتراضی زدند و برای چندمین بار جاده قدیم کرج را مسدود ساختند. شایان ذکر است که مدیران شرکت یاد شده، چندین ماه است حقوق و مزایای کارگران را نپرداخته اند و به بهانه نداشتن نقدینگی، این واحد را به حالت رکود کشانده و به رغم وجود مواد اولیه عمده از فعالیت تولیدی کارخانه ممانعت به عمل می آورند. به گفته کارگران این واحد، مدیریت گروه قطعات فولادی که به غیر از این شرکت، در چهار واحد دیگری که در سایر نقاط کشور نیز زیر پوشش خود دارد، به منظور اخذ وام از دولت، همین شیوه را در پیش گرفته است و عملاً نه فقط حقوق و مزایای کارگران را بلوکه نموده بلکه کارگران را در حالت بلاتکلیفی نگاه داشته است.

* تجمع کارگران کفش

شادان پور، مقابل وزارت کار

روز سه شنبه ۲۵ اردیبهشت صدها تن از کارگران کارخانه کفش شادان پور در اعتراض به بلاتکلیفی خود و عدم دریافت حقوق ۹ ماه گذشته شان مقابل وزارت کار اجتماع کرده و خواستار پاسخ گویی مسئولان این وزارتخانه شدند. طی ماههای گذشته این چندمین بار است که کارگران این کارخانه برای دریافت حقوق شان و با خواست باز شدن کارخانه و بازگشت به کار دست به اعتراض می زنند.

کارخانه کفش شادان پور سال ۱۳۶۱ به تملک بنیاد مستضعفان در آمد. در سال ۷۷ بنیاد مستضعفان کارخانه را به غلامرضا راسخ پسر سرمایه دار سابق کارخانه واگذار کرد. او بخشی از اموال کارخانه را فروخت و کارخانه را به مدت ۴ ماه به بهانه تعمیرات تعطیل نمود. وقتی کارگران پس از پایان این مدت به کارخانه برگشتند مشاهده کردند بخشی از ماشین آلات کارخانه هم به فروش رفته است. از آن زمان تا کنون کارگران بلاتکلیف اند و طی ۹ ماه گذشته نیز حقوق دریافت نکرده اند. مدیر جدید کارخانه مدعی است که طبق قرار داد بنیاد مستضعفان با او، این بنیاد می باید ۹۰۰ میلیون تومان به او پرداخت کند تا صرف باز خرید "کارگران مازاد" شود اما به قرارداد عمل نکرده است. بنیاد جانبازان

انتخابات آغاز کرده است. معهدا آب از آب تکان نمی خورد و فضای سرد و یخ زده، شکسته نمی شود. نه خاتمی حرفی برای گفتن دارد و نه طرفداران وی! شرکت خاتمی در یک برنامه تلویزیونی به عنوان فعالیت تبلیغاتی وی که چهارشنبه (دوم خرداد) از شبکه چهارم سیما پخش شد، حاوی هیچ نکته جدیدی نبود. او در برابر خبرنگاران هیچ چیز، مطلقاً هیچ چیزی برای گفتن نداشت. نه حرف تازه ای و نه برنامه مشخصی! خاتمی حرفهای گذشته و کلی خود را خیلی کلی تر از گذشته تکرار کرد. او گفت که اصلاحات امری دائمی است و مهم آن است که تمایل به تغییر را درک کنیم و بر اساس موازین اسلام و قانون اساسی به آن پاسخ دهیم! او گفت که اگر "خدای نخواست" نتوانیم به آن پاسخ دهیم، فقط این خواهد شد که بخصوص "نسل جوان" برای حل مطالبات خویش، متوجه خارج از نظام خواهد شد!

وعده های آقای رئیس جمهور ته کشیده است. بحثی از انجام اقدامات ولو نیم بند به نفع توده مردم در میان نیست و از آغاز هم نبود، بحث حتی از "توسعه سیاسی" هم نیست. بحث و جدل بر سر حفظ نظام است. بحث مهار اعتراض توده مردم به ویژه نسل جوان است که برای تحقق مطالبات خویش، چارچوبهای نظم موجود را درهم نشکنند و جمهوری اسلامی را فرو نپاشند. این آن موضوع محوری است که نگرانی شدید کل جناح های حکومتی و نیز اپوزیسیون بورژوازی و همه پادوان بی جیره و مواجب جمهوری اسلامی را برانگیخته است ولو آنکه خود نیز مورد خشم و غضب دستگاه قضائی و امنیتی رژیم قرار گرفته اند، اما از بیم "تسریع در روند فروپاشی حاکمیت" (۴) مردم را به شرکت در انتخابات و حمایت از "اصلاح طلبان" دعوت می کنند. معهدا باید گفت که هیچیک از این توصیه ها و تلاش ها، مفری برای جمهوری اسلامی نخواهد گشود. مردم به تجربه دریافته اند که از جمهوری اسلامی و انتصابات آن چیزی عاید شان نمی شود. تجربه چهار ساله اخیر نیز بار دیگر نشان داد که در چارچوب رژیم حاکم، هیچگونه بهبود و اصلاحی به نفع توده های زحمتکش متصور نیست. اگر خاتمی یگانه شانس و آخرین شانس نظام بود، این شانس را هم رژیم از کف داد. هم اکنون شرایط برای تعیین تکلیف نهائی باکلیت این رژیم فراهم تر شده است. توده مردم و در راس همه کارگران با آگاهی بیشتر برای رودر روی و مصاف نهائی با رژیم حاکم خود را آماده می کنند. خاتمی هنگام نام نویسی برای

جنبش اعتراضی مردم زرد ، طغیان دیگری علیه رژیم

مرحله از مبارزات را بر خود دارند. آنها پراکنده و ناپیوسته اند. هربار در نقطه ای دیگر از سر گرفته می شوند. فاقد سازماندهی و رهبری هستند. ترکیب شرکت کنندگان در این حرکات اعتراضی، عدم تشکل و نبود رهبری سیاسی به آنها خصلی لحظه ای و پراکنده داده است. اما در مجموع این جنبش های اعتراضی سیری بالارونده دارند و به مرور، فاصله آنها کمتر می شود. هدف گیری ارگانهای سرکوب مستقیم و نهادهای دولتی و حمله به بانکها و موسسات اقتصادی وابسته به دولت و سرمایه داران توسط شرکت کنندگان در این حرکات اعتراضی، نشان می دهد که توده مردم دشمن خود را خوب می شناسند و این حرکات منفرد و پراکنده، پیش درآمد جنبش اعتراضی زحمتکشان و تهیدستان شهری است که در اتحاد با جنبش طبقاتی کارگران، به تعیین تکلیف نهایی با ستمگران و استثمارگران روی می آورد.

چگونه غرق در فساد، دزدی، رشوه خواری و بند و بست اند و جز به منافع خود، و بردن سهم بیشتری از این خوان بیغما نمی اندیشند. مجموعه این عوامل چنان خشمی را در وجود توده محروم و گرسنه انباشته می کند که به کوچکترین جرقه ای مشتعل می شود. یکروز مسئله بسته شدن روزنامه سلام به تظاهرات و اعتراضات چند روزه دانش-جویان و سایر اقشار در شهرهای مختلف و سردادن شعار علیه سران رژیم منجر می شود، روز دیگر مسئله نبود آب، به تظاهرات ضد دولتی زحمت-کشان شهرک شاتره می انجامد. در مشهد، اصفهان، آبادان، لامرد، ایرانشهر، تهران، سنندج و غیره نیز هر یک به جرقه ای، حرکتی ضد رژیم شکل می گیرد. اگرچه هر یک از این جنبش های اعتراضی توده ای به بهانه ای آغاز شد، اما شیوه حرکت تقریباً در اغلب موارد یکسان است؛ حمله به مراکز سرکوب، به آتش کشیدن اتومبیل های دولتی، شکستن شیشه بانکها و حرکت به سوی ساختمانهای دولتی از قبیل فرمانداری، استان-داری، دادگستری و نهادهای مشابه.

جنبشهای اعتراضی توده ای اخیر تبلور انباشتگی مطالبات در هم تنیده اقتصادی - اجتماعی و سیاسی مردم زحمتکشی است که برای تغییر شرایط زندگی خود علیه نظم موجود و رژیم حاکم به پا می خیزند. این جنبش ها، مهر این

دولتی، خانواده های شهری با درآمد کمتر از ۱۳۲ هزار تومان در ماه و خانواده های روستائی با ۸۳/۵ هزار تومان درآمد ماهانه زیر خط فقر قرار دارند. مقایسه این ارقام با سطح درآمد در ایران نشان می دهد بخش اعظم جمعیت ایران در فقر بسر می برند. گذشته از میلیونها بیکار، افرادی که به شغل های کاذب اشتغال دارند، بخش اعظم کارگران، حقوق بگیران، معلمان و ... در آمد ماهانه ای کمتر از رقم اعلام شده دارند. بیهوده نیست که میلیون ها کودک با گرسنگی مواجه اند، فاقد حداقل پوشاک، بهداشت، آموزش و درمان اند و بیش از نیمی از بیماریهای کودکان ناشی از سوء تغذیه است. این فقر اقتصادی هولناک، همراه با مصائب اجتماعی، سلب آزادیهای فردی و اجتماعی مردم و سرکوب عربیان، توده مردم را در چنبره خود گرفته است. وقتی که این وضعیت تحمل ناپذیر اقتصادی - اجتماعی و سیاسی به مردم تحمیل می شود و در مقابل، توده مردم به چشم خود می بینند که اقلیتی ناچیز از افراد جامعه به بهای گرسنگی، بیکاری و بی حقوقی آنان، پروار می شوند. می بینند که از رهبر گرفته تا اطرافیان او، قوه قضائیه، قوه مجریه، نمایندگان مجلس، نیروهای سرکوبگر، بوروکراتها، مدیران و تا پائین ترین رده های گماشتگان حکومت

نشریه **کار** ارگان

سازمان فدائیان (اقلیت) را بخوانید



کارگران چیت ری در برابر ساختمان بنیاد مستضعفان تجمع کردند و خواستار پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود شدند

خلاصه ای از اطلاعیه ها و بیانیه های سازمان

در تاریخ ۱۳۸۰/۳/۶ کارگران کارخانه چیت ری در مقابل ساختمان مرکزی بنیاد مستضعفان تجمع نمودند تا بار دیگر اعتراض خود را به عدم پرداخت حقوق و مزایای کارگران، واگذاری کارخانه به بخش خصوصی و اخراج ابراز دارند.

سازمان با انتشار اطلاعیه ای در همین روز با انعکاس خبر این اعتراض کارگری، از این حرکت کارگران حمایت و پشتیبانی نمود. در این اطلاعیه گفته شده است که حدود ۲۰۰۰ کارگر کارخانه چیت ری چندین ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند. از اواخر سال گذشته که بنیاد مستضعفان برای پرکردن هرچه بیشتر جیب های خود و فریه کردن سرمایه داران بخش خصوصی، این کارخانه را به بخش خصوصی واگذار نمود، سرمایه داران نه تنها از پرداخت به موقع حقوق کارگران سرباز زده بلکه در تلاش اند کارگرانی را که بین ۱۳ تا ۲۷ سال سابقه کار دارند اخراج کنند.

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت



* استرالیا کارگران کارخانه Bradmill: کارخانه را تعطیل نکنید

ماه فوریه سال جاری، مدیریت کارخانه تولید کفش و پوشاک Bradmill اعلام نمود که این کارخانه به زودی تعطیل شده و تمامی ۹۰۰ کارگر آن از کار اخراج خواهند شد. اعلام این خبر موجی از نگرانی و خشم و انزجار را در میان کارگران این کارخانه دامن زد. از آن زمان تا کنون کارگران در فرصت‌های مختلف دست به اعتراض زده و خواهان ادامه کار این کارخانه شدند. در ادامه این اعتراضات، روز ۱۰ مه تمامی ۹۰۰ کارگر این کارخانه دست به تعطیل کارها زده و در مقابل پارلمان فدرال Victoria دست به یک تجمع اعتراضی زدند. تعداد زیادی مأمور پلیس اسب سوار کارگران معترض را محاصره کرده و از تعرض آنان به نمایندگان مجلس جلوگیری نمودند. در این روز کارگران فریاد "کارخانه ما را تعطیل نکنید" را سر داده و اعلام نمودند که تنها با کاهش سود "صاحبان این کارخانه که دائماً در حال افزایش است" میتوان از تعطیل آن جلوگیری نمود.

* استرالیا:

افزایش سود برای سهامداران و فقدان ایمنی محیط کار برای کارگران

صاحبان مجتمع BHP در استرالیا همچنان در تلاشند که شرایط فروش نیروی کار کارگران را از طریق قراردادهای فردی و نه قراردادهای دسته جمعی تعیین نمایند. در این راستا، سرمایه‌داران تمام تلاش خود، از جمله واگذاری بخش‌های مختلف تولید به پیمانکاران جزء را به کار گرفته و در مقابل، کارگران نیز با تمام قوا دست به مقاومت زده و اجازه ندادند که این تشبثات کارفرما عملی شود. در همین رابطه نیز زمانیکه فلزکاران کارخانه Illaaware روز ۲۰ ماه مه با خبر شدند که امور مربوط به ایمنی محیط کار آنها به یک پیمانکار جزء واگذار شده است، به فوریت دست از کار کشیده و اعلام یک

اعتصاب ۴۸ ساعته نمودند. در طول این اعتصاب، کارگران در مقابل درب ورودی کارخانه تجمع نموده و خواستار لغو این تصمیم شدند. کارگران اعلام نمودند که سود سهامداران این کارخانه تنها در سالهای اخیر چند برابر افزایش یافته و این در حالی است که کارگران در طول همین سالها دائماً با خطر اخراج و لغو قرار دادهای دسته جمعی خود مواجه بودند. کارگران اعتصاب ۴۸ ساعته خود را اعلان جنگی همه جانبه برای مقابله با این اجحافات اعلام نمودند.

* اعتصاب کارگران چینی در اسرائیل

با گسترش موج نا آرامی‌ها در مناطق اشغالی فلسطین و سرکوب وحشیانه اعتراضات زحمتکشان فلسطینی، دولت اسرائیل از ادامه کار هزاران کارگر فلسطینی که در صنایع مختلف اسرائیل، به ویژه پروژه‌های ساختمانی، مشغول به کار بودند، جلوگیری نمود. در پی این اقدام مقامات وزارت کار اسرائیل با مقامات دولت چین به توافق رسیدند که بر مبنای آن بیش از ۵ هزار کارگر چینی در نقاط مختلف اسرائیل، عمدتاً در پروژه‌های ساختمانی، به کار مشغول شدند. دستمزد این کارگران نصف دستمزد یک کارگر اسرائیلی، یعنی ۲۵۰ دلار در ماه، مقرر شده است. به رغم این اجحافات آشکار، اما هنوز هیچ خبری از پرداخت دستمزدها نیست. کارگران از اوائل ماه آوریل خواستار پرداخت فوری دستمزد های معوقه خود شدند. کارفرما ابتدا با وعده و وعید، کارگران را به سرکارها بازگرداندند، اما مدت زمان کوتاهی نگذشته بود که ۱۷۰ نفر از کارگران در یکی از کارگاههای ساختمانی در شهر اورشلیم کارها را تعطیل نموده و اعلام نمودند که تا پرداخت دستمزدهای خود به سر کار باز نخواهند گشت. در پی آغاز این اعتصاب، ۲۴۰ نفر از کارگران چینی در یکی از کارگاههای ساختمانی این شهر نیز کارهای خود را تعطیل نموده و آنها نیز خواستار پرداخت دستمزدهای معوقه خود شدند. اتحادیه کارگران ساختمانی اسرائیل نیز به یاری اعتصابیون شتافته و در گام نخست خواستار افزایش دستمزد کارگران چینی به سطح دستمزد کارگران اسرائیل شد. از سوی دیگر مشخص شد که مقامات وزارت کار چین، خودسرانه در این مدت بخشی از دستمزد کارگران را به جیب می زدند. با گسترش اعتصاب کارگران چینی، مقامات دولت این کشور اعتصابیون را تهدید نمودند که به محض ورود به خاک چین، مورد تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت. به رغم این تهدیدات، کارگران به اعتصاب خود ادامه داده

و سرانجام یکی از کارفرمایان اسرائیلی اعلام نمود که حاضر به پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران است. هنوز اما صدها کارگر چینی در اعتصاب بوده و منتظر دستمزدهای معوقه خود هستند.

* آمریکا: افزایش سود و گسترش بیکاری

زمانی جرج بوش در گرماگرم مبارزه انتخاباتی خود اعلام نمود که تنها راه پایان دادن به بیکاری و افزایش اشتغال در آمریکا، کاهش مالیات سرمایه داران است. اکنون مدتی پس از انتخاب وی به ریاست جمهوری، وی به وعده خود عمل نموده و روز ۲۳ ماه مه، مجلس سنا آمریکا پیشنهاد او مبنی بر تخفیف مالیاتی بالغ بر ۱۱ تریلیون دلار را تصویب نمود. این که نمایندگان سرمایه داران اعلام می کنند که کاهش مالیات سرمایه داران باعث افزایش اشتغال شده و تنها راه مبارزه با بیکاری است، چیزی جز فریب و نیرنگ نیست. این راه حل سرمایه دارانه برای تخفیف بیکاری، فقط برای منحرف نمودن توجه کارگران به ریشه های این معضل سرمایه داری است که از طبیعت این نظام ضد انسانی نشأت می گیرد. در حالیکه سود سرمایه داران با سرعتی نجومی افزایش می یابد، سرمایه داران تخفیف مالیاتی نصیبشان می شود و درست چند روز پس از اعلام این خبر، ۴۰۷ هزار نفر به تعداد بیکاران آمریکا افزوده شده و گفته می شود که در طول یک هفته ۱۵ هزار نفر به بیکاران آمریکا افزوده شده است. تنها در یک روز، ۲۸ مارس، ۸ کارخانه بزرگ سازنده لوازم کامپیوتر اعلان ورشکستگی نموده و بیش از ۱۶ هزار نفر را بیکار کردند.

کمک های مالی رسیده

دانمارک:

روز اول ماه مه	۵۰ کردن دانمارک
روز اول ماه مه	۵۰ کردن دانمارک
روز اول ماه مه	۵۰ کردن دانمارک

مؤثرترین شیوه مقابله با توطئه اخراج، اشغال کارخانه است

اخاری از ایران

نیز قراردادی برای خرید کفش به میزان یک میلیارد تومان امضاء کرده که او نیز قرارداد را اجرا نکرده است. مسئولان وزارت کار نیز تا کنون به وعده هائی که به کارگران داده اند عمل نکرده اند و کارگران بی کار و بدون درآمدی برای تأمین زندگی بخور و نمیر خود و خانواده هایشان به حال خود رها شده اند.

* زورگویی سرمایه داران

مدیریت شرکت تولیدی پارس قوطی برخی از کارگران این کارخانه را که به مدت شش سال به صورت قراردادی در این واحد کار می کردند، به بخش بیمانکاری واگذار نموده است. بیمانکار مربوطه نیز این کارگران را به امضاء قراردادهای یک ماهه وادار نموده و ضمن آنکه کارگران را از بسیاری مزایای حقوقی محرم نموده است، کار چند نفر را برعهده یک کارگر گذاشته و بدین ترتیب فشار و شرایط وحشیانه ای را بر این کارگران تحمیل نموده است.

* اجتماع اعتراضی معلمان در تهران

شنبه پانزده اردیبهشت، جمع زیادی از معلمان با برپائی تجمع در برابر باشگاه فرهنگیان تهران، نسبت به وضعیت وخامت بار معیشتی معلمان و نیز سوء مدیریت در وزارت آموزش و پرورش دست به اعتراض زدند. برگزارکننده این تجمع، "جبهه متحد فرهنگیان" بود که متشکل از "کانون همبستگی فرهنگیان ایران"، "خانه معلمان ایران"، "کانون استادان مراکز تربیت معلم سراسر کشور" و "مجمع فرهنگیان" (وابسته به "جمعیت ایران فردا") می باشد. در پایان این تجمع اعتراضی که حدود ۱۵۰ نفر در آن شرکت کرده بودند و حدود یک ساعت به طول انجامید، قطعنامه ای در دوازده بند قرائت گردید.

* ۲ کارگر در میان

شعله های آتش سوختند

روز پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت انفجار مهیبی در مخازن الکل کارخانه الکل سازی رسومات بومهن رخ داد و در آتش سوزی ناشی از این انفجار ۲ تن از کارگران این کارخانه در میان شعله های آتش سوختند.

انفجار هنگامی رخ داد که کارگران مشغول جوش کاری یکی از مخازن ۳۰ هزار لیتری الکل بودند که ظاهراً خالی بود. اما الکل موجود در مخزن به حریتی منجر شد که جان ۲ تن از کارگران را گرفت. این انفجار همچنین به تخریب ۴۰

سرود ، برای گل های سرخ

گیسوی سوگوار می افشاند
می زارد از جگر
مرثیه می سراید با حق هقی بلند
می چرخد و
زپویه نمی ماند
باد از هزار جانب
از رنج روزگار
از سنگر و صدا
از راستای فردا می خواند

دیگر نمی توانم
با رنج واقعیت

و با تصور خونین عشق و آزادی
صدای تند و توانای روزگارم را
به دره های عمیق سکوت می ریزم
مگر بلرزد باز این نواحی بیداد
به نعره های توانای بهمین فریاد:

هلا، ستاره توفانی
هلا، ستاره توفنده خیابانی
هلا، ستاره پران
هلا، ستاره پویان
ستاره سوزان
ستاره سحر انقلاب ایرانی
هلا، ستاره «حیدر»
ستاره آذر

هلا، هزار ستاره،

ستاره «دیگر»

کنون حماسه آزادی تو را، با خون
و با دهانی، از عشق و آفتاب و جنون
میان خرمن خاکستر و تهاجم باد
برای خلق توانای بسته می خوانم
و با دو پاروی خون
درون قایق سوزان شعر و شور و خرد
بر آبکوه سانسور و قتل، می رانم
اگر بریزد خون دل از دهانه سرب
اگر بماند دل
باز در نمی مانم:

به شور گوشه توفان توده های نبرد
در آن زمان که فروخته ام، کجا، در خاک
هنوز پرچم خون من است در کف موج
صدای موج، صدای من است

می دانم

بگو چگونه بخوانم
که دل بسوزد پاک
بگو چگونه بگویم
زیباغ خون، بر خاک
بگو چگونه بسوزم
چگونه آتش قلبم را
بیاد آنهمه خورشعله خیابانی

بیاد اینهمه گل های سرخ زندانی
به چارجانب این دشت خون برافروزم؟

(سعید سلطانیپور)

دیگر نمی توانم
جز با تو
از تو سخن بگویم
ای شرزه شیرزخمی زندانی
ای خاک ارغوانی

دیگر نمی توانم
و قلبم این ستاره اسپند
درآتش شکفته خشم و خون
آوازهای سوزان می خواند
و اختران خشم زمان را
باغ جرقه های سرخ پریشان را
روی فلات خفته می افشاند:

ناگاه، مثل جنگل باروت منفجر
مثل تنوره های گدازان گردباد
از خطه های میهن خونالود

می رویم

و شعله میشکم از کوره های آتشباد
و نام سوختگان کویر و بندر را
به زخم خنجر خونین نعره می گویم
به سنگ سنگ قزل قلعه و اوین و حصار

دیگر نمی توانم
آنک، ابر

دیگر نمی توانم
اینک، رعد

دیگر نمی توانم
هان

رگبار

دیگر نمی توام

با صد هزار در قفس آیا چه رفته است؟
با صد هزار عشق، که در باغ آرزو خواندند
با صد هزار جنگل
با صد هزار شهر

با صد هزار سرخ، که روی شمال شب راندند
وروی شاخسار خیابان ها
در کوچ ناگهان زمستانی
رگبار بال خونین افشاندند

دیگر نمی توانم
باد از هزار جانب

در لاله های خون هزاران
می گردد

و عطر اشک و اسارت را
در زیر خیمه های سوگواری شب ها می گرداند

باد از هزار جانب
از رنج روزگار

از سنگروصدا
از راستای فردا می خواند

باز از هزار جانب
با رودهای میهن

می راند

می توفد از کرانه گلگون
و روی نعش های شهیدان

بمب افکن های F16 اسرائیلی علیه مردم بی دفاع فلسطین

مردم فلسطین به رسمیت شناخته خواهد شد و رژیم اسرائیل اراضی اشغالی فلسطینی ها را به آنها پس خواهد داد. در سطح نیروهای چپ ایران و جهان نیز جریاناتی که شناخت دقیقی از ماهیت دولت اسرائیل، سیاستهای دولت آمریکا در منطقه و نقش منازعه اعراب و اسرائیل در معادلات منطقه ای نداشتند، به حصول صلح و حل مسئله فلسطین امید فراوانی بسته بودند. اما با گذشت زمان تدریجا این حقیقت برهمگان روشن شد که صلح موعود جز یک سراب چیزی نبوده است. اگر هنوز تردید هائی هم در این مورد وجود داشت به قدرت رسیدن جناح راست افراطی در اسرائیل به رهبری آریل شارون و ائتلاف پرز- شارون به این تردید ها نیز پایان بخشید. حالا دیگر بحثی از وعده و وعید های پیشین در میان نیست. آنچه که حاکمیت دارد سرنیزه است. دیگر کاربرد توپ و تانک و مسلسل علیه زنان و مردان و کودکانی که تنها سلاحشان برای بیرون راندن اشغالگران سنگ و چوب است، کفایت نمی کند. اکنون هلی کوپترهای توپ دار و جنگنده بمب افکن های F16 بمب و راکت بر سر مردم ستم دیده می ریزند و خانه هایشان را ویران می کنند. دهها کشته و صدها مصدوم و مجروح نتیجه تنها یک هفته سرکوبگری ارتش اسرائیل بوده است. در این میان قدرتهای امپریالیست جهان نیز که هرکجا منافع شان ایجاب می کند، از حقوق بشر سخن می گویند و علیه جنایات جنگی موضع گیری می کنند. در نهایت به یک ابرازتاسف خشک و خالی از کشتار مردم فلسطین کفایت کردند و از کنار این جنایات سهمگین به سادگی گذشتند. اگر بمباران و کشتار مردم بی دفاع با پیشرفته ترین بمب افکن ها جنایات جنگی نیست، پس چیست؟ دولت اسرائیل تنها علیه مردم فلسطین به این اقدامات جنایتکارانه دست زده است، بلکه در وهله نخست مسئول کشتار مردم غیر نظامی و بی دفاع اسرائیل نیز هست. گروههای اسلامگرای فلسطین نظیر جهاد اسلامی که مسئله شان نه آزادی فلسطین بلکه دامن زدن به کینه و نفرت های مذهبی و تبدیل کردن مسئله فلسطین به جنگ و نزاع میان یهودیان و مسلمانان است، اخیرا با گسترش عملیات انتحاری، مردم غیر نظامی اسرائیل را به خاک و خون کشیده است. اینان تفاوتی میان کارگر و زحمتکش اسرائیلی و هیئت حاکمه و ارتش این کشور قائل نیستند. خواهان نابودی هرکسی هستند که در اسرائیل است. همانگونه که امثال شارون خواهان نابودی همه مردم فلسطین اند. اما چه کسی جز هیئت حاکمه اسرائیل مسئول رشد و قدرت گیری بمب گرایانی ست که در میان مردم غیر نظامی بمب منفجر می کنند؟ اسلامگرایان در میان مردم فلسطین نفوذ و اعتباری نداشتند. سیاست های ارتجاعی دولت اسرائیل، سرکوب های بیرحمانه مردم فلسطین، توسل به زور برای نگهداری مناطق اشغالی، آواره و دربردار کردن مردم

فلسطین، گسترش آبادی نشین های اسرائیلی در مناطق اشغالی، دامن زدن به نفرت قومی و مذهبی و بالاخره کمک های مستقیم و غیر مستقیم به اسلامگرایان به منظور علم کردن آنها در مقابل جریانات چپ و حتی ملی گرا، موجب تقویت روزافزون جریانات اسلامگرا در میان مردم فلسطین شد. پس در وهله نخست مسئول کشتار مردم غیر نظامی اسرائیل هم هیئت حاکمه این کشور است. با وضعیتی که اکنون هیئت حاکمه اسرائیل پدید آورده است، باز هم جریانات اسلامگرا هستند که تقویت خواهند شد. چرا که جناح های مختلف هیئت حاکمه اسرائیل هر یک به نحوی حق مردم فلسطین را در تعیین سرنوشت خود نفی می کنند و خواهان حفظ مناطق اشغالی هستند. گروههای وابسته به جناح راست افراطی نه تنها خواهان نگهداری تمام مناطق اشغالی و حتی برچیدن منطقه به اصطلاح خود مختارند، بلکه اگر شرایط مناسبی پیدا کنند در پی اشغال سرزمین های کشورهای دیگر و گسترش جغرافیایی اسرائیل هستند. جناح دیگر هیئت حاکمه اسرائیل که عمدتاً حزب کارگر آن را نمایندگی می کند، در تلاش است با اعمال فشارهای داخلی و بین المللی و حتی ابزارهای نظامی، سازمان آزادیبخش فلسطین به رهبری عرفات را وادارد که به بخش محدودی از اراضی اشغالی برای تشکیل یک دولت فلسطینی قناعت کند و بخش دیگر آن رسماً به عنوان بخشی از کشور اسرائیل پذیرفته شود. روشن است که حتی اگر تحت شرایطی چنین توافقاتی نیز صورت گیرد، مسئله فلسطین حل نشده باقی خواهد ماند. این واقعیت هم به جای خود باقی ست که قدرتهای امپریالیست جهان به ویژه امپریالیسم آمریکا نه تنها حامی اسرائیل اند بلکه اصولاً حل قطعی مسئله فلسطین با منافع آنها سازگار است. چون مسئله فلسطین و ائتلاف اعراب و اسرائیل نه تنها موقعیت سیاسی آمریکا را در منطقه تحکیم میکند، بلکه از نظر اقتصادی نیز منافع کلانی عاید انحصارات تسلیحاتی جهان و قبل از همه انحصارات آمریکائی می کند. چرا که تمام رژیم های منطقه ناگزیرند پی در پی سلاح های پیشرفته تری بخرند و هر سال میلیاردها دلار صرف خریدهای تسلیحاتی کنند.

این مجموعه شرایط داخلی، منطقه ای و بین المللی، حل مسئله فلسطین را در اوضاع کنونی بیش از پیش دشوار ساخته است. مسئله فلسطین زمانی حل خواهد شد که یاق مردم فلسطین برسرنوشت خویش به رسمیت شناخته شود و اسرائیل مناطق اشغالی را به مردم فلسطین پس دهد و مردم آنرا بمبارزه خود پس بگیرند و یا این که استقرار یک دولت کارگری به کینه و نفرت ملی و مذهبی پایان بدهد، که هر دو، تغییرات سیاسی وسیعی را در سطح بین المللی می طلبند. تنها تغییر اوضاع سیاسی جهان است که می تواند مسئله فلسطین را حل کند. تا آن زمان این منازعه ادامه خواهد یافت.

شعر از یانسن ریستوس شاعر یونانی

(ترجمه شاملو)

توده

توده کوچک

بی شمشیر و

بی گلوله می جنگد

برای نان همه

برای نور و برای سرود

درگلو پنهان می کند

فریادهای شادی و دردش را

چراکه اگر دهان بگشاید

صخره ها ازهم خواهند شکافت

اخباری از ایران

در صد تاسیسات کارخانه منجرشد.

در اثر عدم ایمنی محیط کار، هر ساله هزاران کارگر در شهرها و مناطق مختلف ایران جان خود را از دست می دهند.

* مرگ دو کارگر

دو کارگر که در پاساژ هفت طبقه فردوس در چهار راه اسلامبول تهران در حال کار و انجام عملیات ساختمانی بودند، از بالای داربست سقوط کرده و جان سپردند. این دو کارگر پدر و پسر بودند. ابتدا پدر از داربست به پائین پرت شد و پسرش که جهت ممانعت از سقوط وی تلاش می کرد به همراه پدر سقوط کرد و هر دو جان خود را از دست دادند.

* چند خبر کوتاه

* کارخانه کاغذ سازی کهریزک، شرکت بهپوش، شرکت سیجرگاز، کارخانه سیمان دماوند و برخی دیگر از واحدهای تولیدی، روز ۱۱ اردیبهشت را تعطیل نکرده و کارگران را به اجبار در این روز وادار به کار نمودند. در برخی دیگر از واحدهای تولیدی مثل شرکت پشتیبانی امور دام، مدیران، کارگران را تهدید کردند چنانچه در مراسم راه پیمائی اول ماه مه روز جهانی کارگر شرکت کنند، اخراج خواهند شد.

* مدیریت شرکت هیپکو در صدد است محل این کارخانه را از جاده مخصوص کرج به شهر اراک منتقل کند. با اجرای این تصمیم کارفرما که به بهانه زیان دهی شرکت اتخاذ شده است، اکثر کارگران این واحد از کار بیکاری می شوند.

حلقه‌های بهم پیوسته تاکتیک تشدید سرکوب و اختناق

علنی نبوده است؛ بر مبنای سیاست‌های لحظه کنونی رژیم صورت گرفته است. اینها نیز قربانیان سیاست تشدید سرکوب و اختناق‌اند. اما اعدام، سنگسار و قتل زنجیره وار زنان تنها یکی از جوانب سیاست‌های سرکوبگرانه است. رژیم از تاکتیک‌های دیگری نیز برای تشدید اختناق و مرعوب کردن مردم استفاده می‌کند. وقتی که یک روزنامه نگار در خیابان ربوده می‌شود و پس از سه روز بازجویی و شکنجه توسط وزارت اطلاعات در خیابان ره‌ایش می‌کنند تا روانه بیمارستان شود، با این اقدام می‌خواهند دیگران را بترسانند و بگویند که ممکن است سرنوشتی نظیر او داشته باشند و یا فراتر از آن قتل‌های زنجیره‌ای را به یادشان آورند. نمایش فیلم تلویزیونی علی‌افشاری هم تاکتیک دیگری در راستای همین اهداف است. با این نمایش‌های مسخره، رژیم اهداف متعددی را دنبال می‌کند. می‌خواهد دانشجویان را بترساند و آنها را از مبارزه منصرف کند. می‌خواهد منتقدین حتی بی‌آزار خود را تحت فشار قرار دهد و به‌استناد همین بازجویی‌های تلویزیونی آنها را مرعوب کند. می‌خواهد با این اقدامات آنهایی را که در زندان به سر می‌برند به ویژه دستگیرشدگان اخیر را زیر فشار بیشتری قرار دهد و آنها را نیز در این شوهای تلویزیونی مشارکت دهد و سرانجام این که همه بیابند در برابر مردم به تعریف و تمجید از جمهوری اسلامی بپردازند. اینها تنها چند نمونه از تاکتیک‌های سرکوبگرانه رژیم در مرحله کنونی‌اند. رژیم بر این پندار است که با اتخاذ این تاکتیک‌ها و سرکوب و اختناق همه جانبه می‌تواند خود را از مخمصه بحران موجود نجات دهد. اما اگر بلافاصله پس از سرنگونی رژیم شاه و توهم گسترده‌ای که در میان مردم وجود داشت، این تاکتیکها در آن محدوده کار آئی داشت که مردم را مرعوب و رکود سیاسی را برجانبش حاکم سازد؛ در مرحله کنونی رشد و اعتلاء سیاسی جنبش، در حالی که نفرت و انزجار عمومی نسبت به رژیم به حد اعلای خود رسیده و مردم پی برده‌اند با ادامه حیات این رژیم وضعیت آنها روز به روز وخیم تر خواهد شد، این تاکتیک‌های رژیم نه تنها نمی‌تواند مردم را مرعوب سازد و آنها را از مبارزه مستقیم و علنی دورسازد، بلکه توده مردم را در مبارزه علیه این رژیم راسخ تر خواهد نمود. رژیم حتی با تشدید اختناق و وحشی‌گری‌هایی که نمونه آن را در چند ماه اخیر دیده‌ایم، نمی‌تواند از بحران و فروپاشی نجات پیدا کند. مردم بیدار شده‌اند و تا تمام بساط جمهوری اسلامی را جاروب نکنند از پای نخواهند نشست.

دین از دولت باید جدا گردد

جمهوری اسلامی با تلفیق آشکار دین و دولت و استقرار یک حکومت مذهبی، هرگونه آزادی و دموکراسی را از توده مردم ایران سلب نموده و این حقیقت را بار دیگر در برابر همگان آشکار ساخته که دولت مذهبی دشمن آزادی و دموکراسی است. لذا پیش شرط هرگونه آزادی و دموکراسی، جدائی دین از دولت و نفی دولت مذهبی است.

سازمان فدائیان (اقلیت) که پیگیرترین مدافع آزادی‌های سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم ایران است، از جدائی کامل و همه جانبه دین از دولت دفاع می‌کند.

سازمان فدائیان (اقلیت) بر این اعتقاد است که :

دین و مذهب باید امری خصوصی اعلام شود و دولت خود را از قید هرگونه دین و مذهبی رها سازد.

هرگونه امتیاز برای یک مذهب خاص و انحصار مذهب رسمی باید ملغا شود. هیچ دین و مذهبی نباید مورد توجه دولت قرار گیرد و هرگونه کمکی از بودجه دولت به نهادهای مذهبی باید مطلقاً ممنوع شود.

ذکر دین و مذهب افراد در اسناد و مدارک رسمی باید منسوخ گردد. هر عضو جامعه مختار و مجاز است، دین داشته باشد و یا نداشته باشد. به دینی بگردد یا از آن روی برگرداند.

مدارس و آموزشگاهها باید مطلقاً غیر مذهبی باشند. تدریس هرگونه امور دینی و انجام مراسم مذهبی در مدارس باید موقوف شود.

مذهب و دستگاه روحانیت نباید هیچگونه دخالتی در امور مدارس و برنامه‌های درسی و آموزشی داشته باشند.

سازمان فدائیان (اقلیت)

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

انتماب خاتمی ، استیصال رژیم!

روا دارند این است که با سرنگون ساختن هرچه فوری تر آن، دوره رنج و عذابش را کوتاه کنند!

زیرنویس‌ها:

- ۱- از نطق جلائی پور در همایش انتخابات ۸۰
- ۲- عباس عبدی عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت اسلامی
- ۳- داود سلیمانی عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت اسلامی
- ۴- از بیانیه انتخاباتی نیروهای ملی - مذهبی

نامزدی هشتمین دوره ریاست جمهوری در وزارت کشور، در حالیکه گریه می‌کرد، از روی افلاس و درماندگی گفت "من سرمایه اندکی دارم و آن آبروی من است!" او در عین حال می‌دانست که این سرمایه‌ی باد آورده را باد برده است! و به همین می‌گریست! خاتمی اما شاید نمی‌دانست که این افلاس و درماندگی، وصف حال کلیت رژیم است که سخت در رنج و عذاب است و به آخر خط رسیده است. یگانه لطفی اما که کارگران و زحمتکشان می‌توانند در حق رژیم

کمیته‌های کارخانه را در هر کارخانه و کارگاه ایجاد کنیم

حلقه های بهم پیوسته تاکتیک تشدید سرکوب و اختناق

و "بهخواست خود" فرصتی "برای بیان اشتباهات" برای عبرت دانشجویانی که در داخل دانشگاهها فعالیت می کنند " پیدا کرده است. مدتی قبل تر هم گروهی از افرادی که به ملی- مذهبی موسومند بازداشت شدند. ظاهراً رابطه ای میان این اتفاقات نیست. زنی در ارتباط با مسائل منکراتی رژیم سنگسار شده است که با اعدام محمد رضا پدram به اتهام جاسوسی ارتباطی پیدا نمی کند و این دو واقعه با دستگیری " باز- جوئی و شکنجه یک روزنامه نگار بی ارتباط است و موضوع فیلم تلویزیونی افشاری و دستگیری ملی- مذهبی هم به کلی بی ارتباط با دو خبر نخست به نظر می آید. اما اگر از خود سؤال کنیم، چرا رژیمی که محاکمات فرمایشی اش چند ساعته است، یک زن را پس از ۸ سال زندان به این شکل فجیع و وحشیانه به قتل می رساند و تازه پس از ۵ سال از زندانی شدن فردی به نام پدram او را به اتهام جاسوسی اعدام می کند و چرا پس از گذشت ۲۰ سال دوباره به شوهایی تلویزیونی اعترافات و تواب سازی پناه برده و آنها را در بطن اوضاع سیاسی ایران و رویداد- های دیگر مد نظر قرار دهیم، در می یابیم که همه این ها در مجموع در یک چیز مشترکند. نتیجه و حلقه های بهم پیوسته پیشبرد یک سیاست اند.

رژیم جمهوری اسلامی با بن بست روبروست. سیاستهای این رژیم در تمام عرصه ها با شکست روبرو شده است. سرکوب و کشتار و اختناق همه جانبه ای که از سال ۶۰ در دستور کار رژیم قرار گرفت، هرچند که در کوتاه مدت به کنترل اوضاع انجامید، اما پس از گذشت یک دهه دو باره رژیم را با بحران روبرو نمود. از اوائل دهه ۷۰ با رشد و گسترش جنبش های اعتراضی توده ای، شکست سیاستهای رژیم از هر سو آشکار شد. جناحی از هیئت حاکمه که وخامت اوضاع رژیم را دریافته بود کوشید با اتخاذ تاکتیک ها و سیاست های جدیدی، رژیم را نجات دهد. خاتمی به نمایندگی از این جناح زمام امور را به دست گرفت. اما در عمل نه این سیاست پیش رفت و نه بحران فروکش کرد. بالعکس نارضایتی، اعتراض و مبارزه وسعت بیشتری به خود گرفت و بحران عمیق تر شد. شکست تاکتیک ها و سیاستهای خاتمی به معنای فروپاشی قطعی رژیم بود. در چنین شرایطی

تشدید سرکوب و اختناق در دستور کار قرار گرفت. اکنون رژیم حتی در مقیسه با یک دهه پیش، دامنه سرکوب و اختناق را وسعت بیشتری داده است. ابزارها و تاکتیک های متعددی را به منظور سرکوب و مرعوب نمودن مردم به خدمت گرفته است، تا شاید بدین طریق از بحران موجود خلاص شود. هرروز به بهانه ای کسی را اعدام، سنگسار و زجرکش می کنند تا همه خیردار شوند که چوبه های دار برپاست و جوخه های اعدام آماده اند. یکی را به اتهام فعالیت های سیاسی، دیگری را به اتهام جاسوسی، دیگران را به اتهام قتل فلان مزدور بسیج و پلیس، خرید و فروش مواد مخدر، "شرارت" فحشاء و غیره و غیره اعدام می کنند و رسماً اعلام می کنند. زنان را پی در پی به قتل می رسانند و ادعا میکنند که این زنان به خاطر مسائل منکراتی به قتل رسیده اند. در هرکجا نیز که منافع شان ایجاب کند، اعدام و سنگسار می کنند، اما خبر آن را در روزنامه ها منتشر نمی کنند، بلکه آن را محلی و منطقه ای انعکاس می دهند. دهها وصدها نمونه چنین مواردی رامیتوان سراغ گرفت. سال گذشته چند کارگر که در حال شعارنویسی علیه رژیم بودند با پلیس درگیر میشوند که در جریان این درگیری یکی از مزدوران پلیس به قتل می رسد. خبر تشکیل دادگاه و محاکمه این کارگران در ارومیه، حتی در یکی از روزنامه های رژیم انتشار یافت، اما به رغم این که دادستان برای آنها تقاضای حکم اعدام کرده بود، دیگر نه حکم دادگاه اعلام شد و نه کسی از سرنوشت این کارگران خبری دارد و معلوم نیست که آیا زنده اند یا بی سرو صدا اعدامشان کردند. در هر حال تعداد کسانی که حتی در این چند ماه گذشته اعدام و سنگسار شده اند، بسی افزون تر از آن چیزی است که رسماً اعلام شده است. اگر اخیراً اسامی تعداد بیشتری از آنها اعلام می شود، تنها در راستای سیاست سرکوبگرانه مرعوب کردن مردم است. بنابراین این حتی سنگسار وحشیانه زنی که ۸ سال در زندان بوده است و هیچگاه نپذیرفت که در فیلم پورنو نقشی داشته است، یا اعدام محمد رضا پدram که به اتهام جاسوسی ۵ سال در زندان به سر برده و معلوم نیست که اساساً این اتهام درست است یا نه و اگر آری چرا دادگاه

در صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1071 , Wien
Austria

دانمارک
I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M . A . M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

هلند
P . B . 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)
۵۹۷۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۴۹

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaians-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaians-minority.org



Organization Of Fedaians (Minority)

No.359 juni 2001

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی